سنجش حس مکان در روستای جابجا شده پس از سانحه (مطالعه موردی: روستای کنزق، استان اردبیل)

توحید حاتمی‌خانقاهی*، وحید وزیری**، مهسا تقی‌زاده‌هیر***

تاریخ دریافت مقاله: 1396/05/21
تاریخ پذیرش مقاله: 1398/03/13

چکیده

زلزله و صدمات ناشی از وقوع آن همواره در کمین جوامع انسانی به‌ویژه بافت‌های آسیب‌پذیر روستایی می‌باشد. اقدامات مرتبط با بازسازی کالبد پس از سانحه در کشور ما با کم و کاستی‌هایی مثل عدم توجه به احیای نیازهای هویتی افراد و ایجاد یا ارتقای حس مکان پس از تخریب منطقه مسکونی و بازسازی مکان جدید همراه است لذا ضرورت پژوهش در این زمینه همواره بحثی چالش برانگیز در میان جوامع آسیب‌دیده و بازسازی شده خواهد بود. هدف از این پژوهش بررسی تغییر مؤلفه‌های حس مکان در جابه‌جایی بافت روستای کنزق پس از سانحه زلزله می‌باشد. لذا با استناد بر مطالعات صورت گرفته از منابع مختلف و جمع‌بندی آن‌ها به شیوه پژوهش کمی، مؤلفه‌های حس مکان در چهار دسته اجتماع‌پذیری و تعاملات اجتماعی، هویت، دلبستگی به مکان و وابستگی به مکان در قالب "پرسشنامه‌ای محقق ساخته" تنظیم گردید و به روش نمونه‌گیری با فرمول کوکران بین 278 نفر از 1000 نفر جمعیت روستا توزیع شد. انتخاب نمونه به‌صورت تصادفی بوده و اعتبار پرسشنامه با استفاده از فرمول کرونباخ-آلفا (α= 0/74) محاسبه شد. تحلیل اطلاعات حاصل از پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار Spss، برای آزمون فرضیه آماره‌های T تست تک نمونه‌ای و همبستگی پیرسون بود. فرض پژوهش عدم توجه به بافت روستای کنزق قدیم در ساخت روستای جدید و کاهش مؤلفه‌های حس مکان و در نتیجه کاهش رضایت ساکنین بود. تحلیل اطلاعات حاصل از پرسشنامه جهت پاسخگویی به سوالات این پژوهش بوده: جابه‌جایی بافت روستای کنزق تا چه میزان بر مؤلفه‌های حس مکان تأثیرگذار بوده است؟ و تغییرات مؤلفه‌های حس مکان در جابه‌جایی روستای کنزق چگونه است؟ نتایج حاصل نشان داد که در این جابه‌جایی حس رضایت اهالی از روستای جدید به‌دلیل برخورداری از امکانات بیشتر رفاهی افزایش یافته و بر خلاف فرض پژوهش فقط مؤلفه هویت کاهش یافته است. در میان وابستگی به مکان با اجتماع پذیری، هویت و دلبستگی به مکان، همبستگی و ارتباط مستقیم وجود دارد.

کلمات کلیدی: حس مکان، جابه‌جایی روستا، بازسازی، روستای کنزق.

* استادیار گروه معماری دانشگاه محقق اردبیلی. hatami.tohid@gmail.com
** استادیار گروه معماری دانشگاه محقق اردبیلی.
*** دانشجوی کارشناسی‌ارشد رشته معماری دانشگاه محقق اردبیلی.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]
[DOI: DOI: 10.22034/38.166.49]

مقدمه

سوانح طبیعی از جمله مسائل و مشکلاتی هستند که پیش روی روستاییان قرار می‌گیرند و می‌توانند زندگی عادی و روزمره روستاییان را از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی دچار بحران کنند. سوانح طبیعی به‌ویژه زلزله به‌عنوان یک تهدید در رابطه با رفاه و توسعه جامعه مطرح اند و خسارت‌های ناشی از آن‌ها علیرغم بهبود ظرفیت‌های جوامع در زمینه‌های مخاطرات و فناوری‌های کاهش خسارت، به‌طور روز افزونی در حال رشد است (فراهانی، 1393: 64). زلزله به‌عنوان پدیده‌ای تکرارپذیر و غیرقابل پیشگیری در طول حیات کره زمین همواره وجود داشته است. این بلای طبیعی همیشه به‌عنوان خطری جدی جوامع انسانی را تهدید نموده و در اثر وقوع آن چه بسا شیرازه بسیاری از جوامع از هم گسسته است (Paton et al, 2010: 185). مناطق روستایی به دلایلی از جمله پایین بودن کیفیت مسکن، پایین بودن سطح استفاده از تکنولوژی، عدم رعایت ضوابط مکانیابی وغیره در برابر وقوع زلزله متحمل بیشترین تلفات شده است (Wachinger et al, 2013: 1050). در مواقعی با تخریب روستا بر اثر سانحه زلزله، اقدام به جابه‌جایی بافت روستایی می‌شود. جابه‌جایی اجتماع انسانی می‌تواند کالبدی یا اقتصادی باشد. جابه‌جایی کالبدی، تغییر محل کالبدی مردم است که منجر به رها نمودن مکان استقرار و احتمالا سرمایه‌های مولد یا دوری از آن‌ها می‌گردد، اما جابه‌جایی اقتصادی از اقدامی ناشی می‌شود که بدون جابه‌جایی کالبدی، دسترسی مردم به سرمایه های مولد را متوقف یا جذب می‌کند (گرکانی، 1393: 23-22). جابه‌جایی مجتمع‌های زیستی مسائل جدی در پی دارد زیرا جوامع به مکان و تعلقات آن از قبیل خویشاوندی‌ها، سنت، معیشت، امنیت و فرهنگ تاریخی محل اقامت خویش وابستگی دارد. ولی به هر حال مواقعی پیش می‌آید که جابه‌جایی مجتمع‌های زیستی اجتناب‌ناپذیر است و هر گونه جابه‌جایی می‌بایست با مهارت‌ها و روش‌های خاصی صورت گیرد (فلاحی، 1386: 139). در واقع در برنامه‌های بازسازی شهرها و روستاهای آسیب‌دیده از جنگ و بلایای طبیعی همیشه کشمکش و بحث میان معتقدین به ضرورت حفظ هویت پیش از تخریب شهرها و روستاهایی که بازسازی می‌شود و آنانی که اعتقادی به چنین امری ندارند، در می‌گیرد (مطوف، 1386: 77-78). در بازسازی یک فضای شهری زلزله‌زده، ورای پرداختن به مقولات عملکردی و عینی، با مدیریت کیفیات غیرمحسوس محیط مانند معانی، حافظه جمعی، هویت مکانی و غیره می توان به بازگرداندن هویت از دست رفته آن، کمک‌های شایانی نمود. نیاز به احیای محلات و بازسازی آن‌ها به‌صورتی که عناصر هویتی خود را باز یابند، نیازی حیاتی برای بازسازی هویت فردی و جمعی بازماندگان آن محلات است. به‌همین دلیل مشاهده می‌شود که پس از وقوع زلزله، بازماندگان بیش از گذشته احساس تعلق خود را به خانه و محله خویش ابراز می‌کنند. در این جابه‌جایی‌ها مباحثی همچون هویت مکان که بستر خاطرات ساکنان است، پس از وقوع بلایا و از دست رفتن کالبد مکان، مورد غفلت قرار گرفته و یا بازسازی شتاب‌زده موجب اختلال در تداوم هویت مکانی آن‌ها می‌شود (مدیری، 1393: 52).

مکان از اشتراک سه مؤلفه فعالیت‌ها، تصورات و فرم شکل می‌گیرد (Canter, 1977 به نقل از Azizi Ghoomi, 2015: 277). حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به‌وجود می‌آید حس مکان نامیده می‌شود که عاملی مهم در هماهنگی فرد و محیط، موجب بهره‌برداری بهتر از محیط، رضایت

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]
[DOI: DOI: 10.22034/38.166.49]

استفاده‌کنندگان و در نهایت احساس تعلق آن‌ها با محیط و تداوم حضور در آن می‌شود (فلاحت، 1385: 58).

بازسازی روستاها بعد از سانحه زلزله باید با تدبیر و برنامه و بر مبنای سیاست‌های بازسازی سکونتگاه‌های روستایی اجرا شود. همچنین باید به نوعی ادامه روند پیش از سانحه و به موازات اجرای طرح‌های نوین تلقی شود (فلاحی، 1384: 96). حس تعلق به مکان جدید و رضایت‌مندی روستاییان پس از جابه‌جایی، حاصل برآیند مؤلفه های بسیاری است که از جمله آن می‌توان به تطبیق مکان و کالبد روستای جدید با خواسته و نیازهای ساکنین اشاره نمود (گرگانی، 1393: 29). در واقع اگر هدف از بازسازی احیاء و بهبود وضعیت فرهنگی، اقتصادی، افزایش منابع انسانی و ارتقای سطح حیات و حفظ هویت مناطق سانحه دیده است، یکی از مهمترین نکات در راستای نیل به این اهداف، تداوم گذشته است. اهمیت بخشیدن به استراتژی‌های مربوط به خاطره جمعی، در راستای بازسازی با رویکردی که در فصل مشترکی از تداوم و تغییر و توسعه قرار می‌گیرد، می‌تواند نتایج مطلوبی همچون حفظ هویت مکان‌های بازسازی شده، حفظ سرچشمه‌ها و اصالت‌ها، بالا رفتن میزان همبستگی اجتماعی در جامه، ایجاد حس روشنی از گذشته و تقویت میزان تعلق خاطر به محیط را درمکان‌های بازسازی شده به ارمغان آورد (مدیری و زنجانی، 1393: 61-60).

هدف از این پژوهش بررسی تغییر مؤلفه‌های حس مکان در جابه‌جایی بافت روستای کنزق پس از سانحه زلزله می‌باشد. فرض اولیه تحقیق بدین شرح است: 1)روستاییان از جابه‌جایی بافت روستای کنزق ناراضی هستند و 2) با جابه‌جایی روستای کنزق مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حس مکان کاهش یافته‌اند. با توجه به فرایند جابه‌جایی بافت روستای کنزق این سوالات مطرح است : 1) جابه‌جایی بافت روستای کنزق تا چه میزان بر مؤلفه‌های حس مکان تأثیرگذار بوده است؟ 2)تغییرات مؤلفه‌های حس مکان در جابه‌جایی روستای کنزق چگونه است؟

در ادامه، ادبیات پژوهش به‌طور خلاصه و با تکیه بر به روز بودن در جدول شماره 1 آورده شده است.

مفاهیم، مبانی نظری و دیدگاه‌ها

سوانح طبیعی به‌ویژه زلزله با توجه به اثرات مستقیم (تعلیق اشتغال، افزایش بیماری و تأثیر بر تنوع زیستی) و غیرمستقیم (خسارت مالی، تلفات جانی و خسارت به محل سکونت) بر روی جامعه به‌عنوان یک چالش مهم در فرایند توسعه مطرح است، به‌طوری که سوانح طبیعی برای مردم و مناطق فقیر –و اغلب در مناطق روستایی دورافتاده– اثرات ناگوارتری دارند (Johnson, 2004: 47) (جدول شماره 2).

بعد از وقوع سانحه و مواجهه مردم با خرابی ولایت، پناهگاه و آشیان خود اولین اقدام بعد از کمک به افراد حادثه دیده، سیاستگذاری‌هایی جهت ایجاد سکونتگاه جدید برای افراد حادثه دیده می‌باشد. این سیاستگذاری‌ها با راهکارهای مختلفی صورت می‌گیرد. اغلب در بازسازی روستاهای آسیب‌دیده یا تخریب شده بر اثر مخاطرات طبیعی سه الگوی درجاسازی، جابه‌جایی و الگوی تجمیع و ادغام به کار گرفته می‌شود (نمودار شماره 1)(حاجی‌نژاد و همکاران، 1395: 2). از میان الگوهای بازسازی مذکور در ایران اغلب به دلایل مختلف اعم از هزینه‌های زیاد آواربرداری و موارد مشابه، با جابه‌جایی بافت روستا مواجه هستیم. اغلب این جابه‌جایی‌ها با گسیخته شدن از مکان قبل و آسیب به مفاهیم حس مکان همراه است. توجه ساکنان روستای جابجا شده نسبت به بافت قبلی و احساس ایشان در قبال مکان اصلی روستا قبل از حادثه قابل توجه است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

[DOI: DOI: 10.22034/38.166.49]

پژوهشگر	عنوان	نتایج یا نکات کلیدی پژوهش
(فلاحت، 1385)	مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده	مهم‌ترین عوامل مؤثر حس مکان در دو دسته قابل بررسی هستند. در گروه معانی، هویت و زیبایی و در سطح فعالیت‌ها، تعاملات اجتماعی حس اجتماع و رضایت‌مندی قرار دارند
(حیدری و همکارانش، 1393)	بررسی نحوه ارتباط میان دو مفهوم حس مکان و دلبستگی به مکان در خوابگاه دانشجویان	نتایج حاکی از آن است که میان حس مکان و دلبستگی به مکان، رابطه معنادار بسیار قوی وجود دارد
(صمیمی و پرتویی، 1387)	بررسی و سنجش حس مکان در محلات ارگانیک و برنامه‌ریزی	از دیدگاه نوربرگ شولتس، مکان چیزی بیش از جمع‌بندی عناصر است و چارت متشکله از مکان و حس مکان ارائه نموده
(تقوایی و همکاران، 1388)	بازسازی مسکن روستایی پس از سانحه؛ آسیب شناسی - رهنموده	متأسفانه بررسی پروژه‌های بازسازی روستاهای آسیب‌دیده از وقوع سوانحی چون زلزله، جنگ و ... در کشورمان، گویای آن است که واحدهای طراحی شده، مطابق با نیازها و شیوه زندگی ساکنان نبوده است.
(پهلوان‌زاده و همکارانش، 1391)	ارزیابی کیفیت زندگی در روستاهای ادغام شده پس از سوانح طبیعی	از میان شیوه‌های بازسازی مناطق آسیب‌دیده شیوه تجمیع و ادغام که دارای مزیت‌های صرفه‌جویی اقتصادی در ارائه امکانات و خدمات است
(تقی‌زاده و همکاران، 1397)	عوامل مؤثر در ارتقای مؤلفه‌های حس مکان در جابه‌جایی بافت روستاهای آسی بدیده پس از زلزله (مورد مطالعه: روستای کنزق شهرستان اردبیل)	به این نتیجه می‌رسد که در جابه‌جایی روستای کنزق تبعیت از برخی عوامل مانند مصالح روستای کنزق قدیم سبب افزایش مؤلفه هویت خواهد شد و عدم تبعیت از فرم و پلان خانه‌های قدیمی نیز حس مکان را افزایش می‌دهد که در نهایت چنین می‌توان اذعان نمود که تأثیر این عوامل در گرو آسایش و راحتی ساکنین است.
(لک، 1394)	زلزله بم و درک معنایی ساکنان محلات مسکونی از اختلال در دلبستگی به مکان	نوستالژی محله و شهر و گذشته مقوله‌ای است که می‌تواند تمامی ادراکات ساکنان را پوشش دهد
(ضربیان و منعام، 1389)	بررسی میزان و عوامل تأثیرگذار بر حس مکان	حس مکان ارتباط درونی انسان، تصورات ذهنی او و ویژگی‌های محیطی است
(سرتیپی‌پور، 1391)	بازآفرینی شیوه های اجرایی معماری بومی در مواجه با زلزله	بازآفرینی دانش بومی در کنار دیگر فناوری‌های موجود ضمن برقرار نمودن پیوند مهندسی گذشته با حال می‌تواند یکی از شیوه‌های پیشگیری برای کاهش عوارض و آسیب‌های ناشی از زلزله باشد
(سلیمان‌زاده و همکاران، 1393)	ارزیابی جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی پس از زلزله (نمونه موردی: اسطلخ کوه بعد از زلزله سال 1369 در گیلان -زنجان)	نتایج حاصل از بررسی‌ها حاکی از آن است که جابه‌جایی این روستا در جلب مشارکت مردمی با موفقیت همراه بوده است و در سرعت انجام روند بازسازی به موفقیت‌های شایان توجهی دست یافته است. به‌نظر می‌رسد مواردی مانند مالکیت زمین‌های روستای جدید، فاصله مناسب از سایت قدیم و دسترسی به آن و نیز مشارکت اهالی و شورای اسلامی روستا در فرایند بازسازی و ... از دلایلی هستند که اهالی، روستای جدید را پذیرفته‌اند؛ اما بازسازی عوارضی منفی نیز برای روستا به‌وجود آورده است.
(هیومن، 1992) (گاسو، 1976) (کراس، 2001) (شامای، 1991) به نقل از (کلانی و مدیری، 1391)	تبیین نقش مؤلفه معنا در فرایند شکل‌گیری حس مکان	بی‌مکانی، بیگانگی با مکان، مکان نسبی، ریشه‌داری ناخودآگاه، ریشه‌داری عقیدتی. آشنایی با مکان، آشنایی معمولی با مکان، آشنایی بسیار عمیق با مکان. بی‌مکانی مطلق، بی‌مکانی نسبی، بیگانگی با مکان، ریشه‌داری نامنسجم، ریشه‌داری منسجم. سه مرحله اصلی(تعلق به مکان، دلبستگی به مکان، تعهد به مکان)، بی‌تفاوتی نسبت به مکان، آگاهی از قرارگیری در یک مکان، تعلق به مکان، دلبستگی به مکان، یکی شدن با اهداف مکان، حضور در مکان، فداکاری در مکان.
(رضوانی و همکارانش، 1392)	تأثیر اسکان مجدد بر کیفیت زندگی روستاهای آسیب‌دیده از سوانح طبیعی	لازم است در طرح‌های اسکان مجدد علاوه بر مکانیابی بهینه روستایی، اثرات و پیامدهای آن بر وضعیت کیفیت زندگی روستاییان مورد توجه ویژه قرار گیرد
(مدیری و اشرفی، 1393)	باز زنده‌سازی خاطرات جمعی در بازسازی پس از بلایای طبیعی و... با تکیه بر هویت مکان	بازسازی و حیات اجتماعی جامعه در تداوم گذشته آن امکان‌پذیر است در واقع بلایای طبیعی در نگاه اول گسست بنیادی از دوران گذشته خود را تداعی می‌کنند
(صیرایی و همکارانش، 1394)	سنجش نگرش روستاییان در خصوص طرح جابه‌جایی روستا	طرح جابه‌جایی روستا در حالت کلی توانسته است رضایت روستاییان را تأمین کند و روستاییان با دید مثبت به آن نگاه می‌کنند اما از پاره‌ای جهات ابراز داشته‌اند که اقدامات لازم در سایت جدید به شکل مناسب انجام نگرفته است
(فلاحی و جواجه‌ئی، 1394)	تجربه بازسازی مسکن پس از زلزله	بازسازی پس از سوانح بایستی رویکردی کل‌نگر و تکاملی داشته باشد که ابعاد گوناگون (فیزیکی و غیر فیزیکی) سکونتگاه ویران شده را پوشش می‌دهد
(حیدری و همکارانش، 1395)	بررسی و ارزیابی تأثیر الگوهای اسکان مجدد بر تغییرات سرمایه اجتماعی در روستاهای زلزله‌زده	در طرح بازسازی روستاهای پس از سانحه بازسازی در سایت اولیه از سطح میانگین رضایتی بالاتری به‌دلیل علاقه و همبستگی روستاییان به محل سکونتی خود دانست که بیانگر خاطرات گذشته آنان بوده برخوردار است.

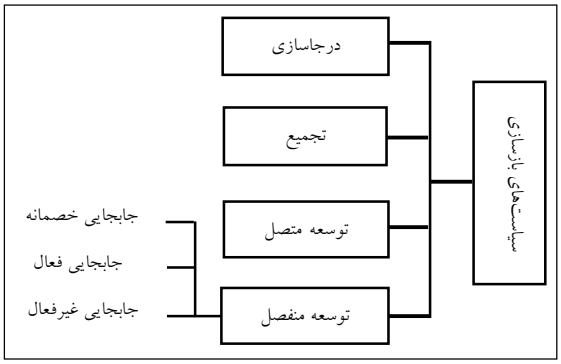
ج 1. پیشینه پژوهش. منبع: نگارندگان.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

[DOI: DOI: 10.22034/38.166.49]

مخاطره	آسیب‌پذیری		
	در معرض بودن	مستعد بودن	ظرفیت‌سازی
زلزله	درجه در معرض بودن محیط ساخته شده	ارتفاع، تراکم، مصالح، نوع سقف، تعداد ساختمان‌ها، عمر ساختمان	برنامه‌ریزی روستایی، برنامه‌ریزی کاربری اراضی، کدهای ساختمانی، اقدامات حفاظتی
	مکان یا موقعیت	دسترسی، فاصله، ارتفاع، شیب، جهت	برنامه ریزی روستایی، مکان‌گزینی مناسب
	درصد جمعیتی که در مناطق با خطر بالا زندگی می‌کنند	کل جمعیت، تراکم جمعیت، توزیع جمعیت در شب و روز، سن، جنس، رشد جمعیت	طرح‌های تخلیه، دسترسی به اطلاعات، برنامه‌های آگاه‌سازی عمومی

ج 2. مفهوم سانحه و اجزای آن. منبع: (فراهانی، 1393: 66).



ن 1. سیاست‌های بازسازی سکونتگاه‌های روستایی. منبع: (گرگانی 1393، 23).

مکان، مفهومی انتزاعی و ذهنی نیست بلکه اولین قرارگاه ارتباط مستقیم با جهان و محل زندگی انسان است، به‌همین دلیل سرشار از معنا، واقعیت‌های کالبدی و تجربه‌های انسانی بوده و رابطه عاطفی عمیقی با انسان برقرار می‌کند (Relph, 2007: 120). از نظر نوربرگ شولتز، حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند (دارای هویت مکان) و این شخصیت مشخص از چیزهایی ملموس که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ هستند، ساخته شده است (Norberg-Schuls, 1997). حس مکان در ارتباط با ساختار فیزیکی، معنا و فعالیت است Montgomery, ((1998) (کاشی و بنیادی، 1392)). از نگاه پدیدارشناسان حس‌مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به‌واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است. این حس می‌تواند در مکان زندگی فرد به وجود آمده و با گذر زمان عمق و گسترش یابد (Relph 1976). حس مکان در برخی موارد می‌تواند ترکیبی از معانی، باورها، نمادها، ارزش‌ها و احساسات باشد که فرد یا گروه می‌توانند با آن در مکان هم‌ذات‌پنداری نمایند (Chapin 2015, 39). ارزش‌های فردی و اجتماعی بر چگونگی حس مکان تأثیر می‌گذارند و متقابلاً ارزش‌ها، نگرش‌ها و به‌ویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان تأثیر می‌گذارد و افراد معمولاً در فعالیت‌های اجتماعی با توجه به چگونگی حس مکانشان شرکت می‌کنند (Canter 1971). حس مکان حالات روحی، احساسی و عملکردی است که یک فرد یا گروه در برابر یک مکان حس می‌کنند. معمولاً این حس منجر به احساس ریشه‌داری و تعلق نسبت به آن مکان می‌شود ((Tuan 1974; Williams & Carr 1993) (Mullendore 2015, 68)). هر یک از گونه‌های معانی مکان از طریق یکی از عوامل ادراکی (ابعاد شخصی، اجتماعی و فیزیکی) قابل درک می‌گردد و از طریق آن‌ها منجر به شکل‌گیری حس مکان می‌شود (کلانی و مدیری، 1391). جابه‌جایی بافت روستاهای آسیب‌دیده پس از سانحه و توجه به ایجاد و ارتقای حس مکان در بافت جدید پس از جابه‌جایی همواره مورد توجه بوده است. ایجاد حس مکان در بافت جدید و رضایت‌مندی از آن در قبال بافت قدیمی و آسیب‌دیده، تابع عوامل مختلفی است که تأثیر مستقیم بر برنامه‌های جابه‌جایی بافت‌های

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]
[DOI: DOI: 10.22034/38.166.49]

آسیب‌دیده از سانحه را دارند. تقی‌زاده و همکاران در سال 1397 مؤلفه‌های مؤثر بر حس مکان در روستای کنزق را در قالب نمودار شماره 2 ارایه نموده‌اند. کنترل این عوامل و میزان تغییر مؤلفه‌های حس مکان در نمونه بافت‌های جابجا شده پس از سانحه با میزان رضایت‌مندی مردم از فرایند جابه‌جایی ارتباط مستقیم دارد.

چهار چوب نظری و روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کمی است. در طول روند پژوهش ابتدا با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای اقدام به جمع آوری مبانی نظری نموده و سپس بر پایه یافته‌های پژوهش، نتایج کاربردی ارائه می‌شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی عمیق چگونگی تغییر چهار مؤلفه حس مکان[2] ناشی از جابه‌جایی بافت روستای کنزق پس از سانحه زلزله مطابق با نمودار شماره 2 و توضیحات مربوط شکل گرفته است. لذا برای دستیابی به این هدف، پرسشنامه‌ای[3] محقق ساخته بر مبنای اطلاعات و مؤلفه‌های حاصل از بخش مبانی نظری پژوهش تهیه و تنظیم شد. برای این منظور از معرف‌ها و شاخص‌های مطرح شده در قالب گویه طیفی پنج گانه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. پرسشنامه در دو مرحله، روایی و پایایی سنجی می‌شود. روایی صوری پرسشنامه توسط پانل متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل خانوارهای ساکن روستای کنزق جدید (ساکنین کنزق قدیم قبل از زلزله) با جمعیت حدود 1000 نفر است که با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه لازم از بین جمعیت مذکور برای تنظیم پرسشنامه، 278 نفر محاسبه شده است. مطالعه راهنما برای پایایی‌سنجی پرسشنامه نیز برای تعداد30 پرسشنامه از جامعه آماری محاسبه شده، صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول کرونباخ آلفا در نرم‌افزار SPSS (α= 0/74) محاسبه شد. برای آزمون فرضیه از آماره‌های استنباطی T تست تک نمونه و همبستگی پیرسون استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در دو بخش توصیفی و استنباطی بر مبنای اطلاعات حاصل و با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده است.

نمونه موردی این تحقیق روستای کنزق واقع در شهرستان اردبیل می‌باشد. دلیل انتخاب این روستا جابه‌جایی بافت این روستا پس از وقوع سانحه زلزله در سال 1371 می‌باشد که در فرایند این جابه‌جایی، در دید نخست تغییرات شدید کالبدی، فرهنگی، اجتماعی در بافت، شکل مسکن و سبک زندگی ساکنان به چشم می‌خورد. چگونگی تغییر مؤلفه‌های مرتبط با حس مکان در ساکنین روستا ناشی از این تغییرات مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

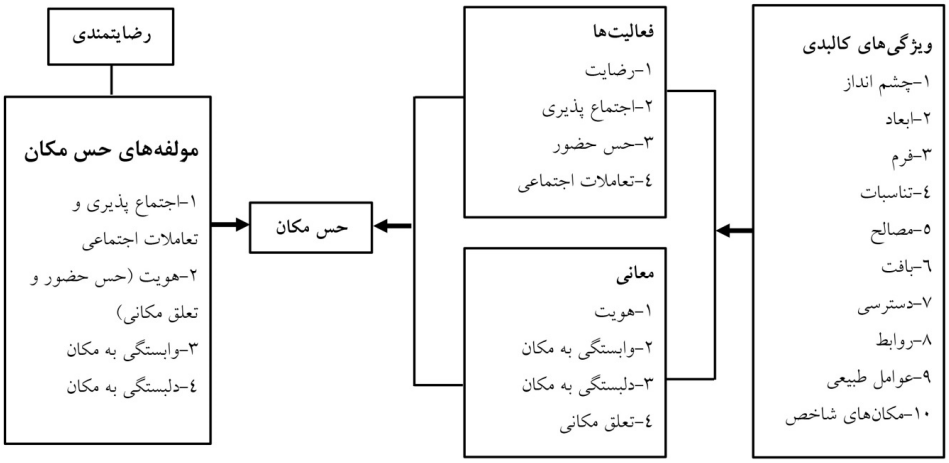
نمونه موردی

روستای کنزق از جمله روستاهای بخش سرعین شهرستان اردبیل می‌باشد که در فاصله دو کیلومتری سرعین قرار دارد. روستای کنزق قدیم با حدود 500 غار با قدمت طولانی می‌باشد و در فاصله ای حدود 1/2 کیلومتری شرق روستای فعلی قرار گرفته است. روستای کنزق قدیم با وقوع زلزله اسفندماه 1375 کلاً تخریب و 5 نفر در اثر زلزله جان باخته و کل روستا توسط بنیاد مسکن و مشارکت اهالی به مکان فعلی منتقل گردیده و به خاطر طرح از پیش طراحی شده دارای نظم کلی با الگوی شطرنجی می‌باشد "تصویر شماره 1" (طرح هادی روستای کنزق 1382، 10).

بعد از سانحه سال 1375 بافت روستای کنزق از قرارگیری بر روی تپه‌های موقعیت قبلی خود به ناحیه‌ای با سطح هموار منتقل شده و سبک و نوع معماری متفاوت با معماری کنزق قدیم را ایجاد کرده است. شکل بافت روستای کنزق قدیم به‌دلیل پلکانی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]
[DOI: DOI: 10.22034/38.166.49]

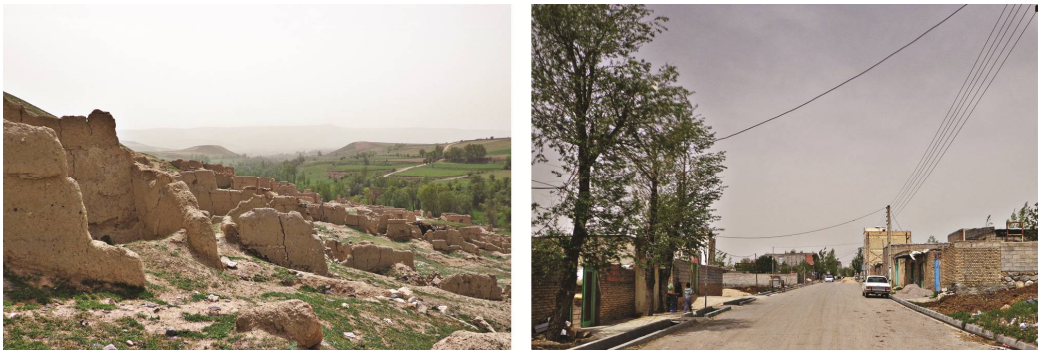
بودن، ارگانیک و درهم تنیده و دارای تنوع در پلان‌ها با بافت روستای جدید که طرح آن مدولار و شطرنجی پلان‌های خانه‌ها تکراری است تفاوت‌های کالبدی فراوانی دارد(تصویر شماره 2).



ن 2. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حس مکان. منبع: (تقی‌زاده و همکاران، 1397، 283)[1].



ت 1. پلان کلی بافت در روستای کنزق قدیم و جدید.



ت 2. بافت پلکانی و بافت شبکه‌ای روستای کنزق قدیم و جدید. منبع: نگارندگان.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]
[DOI: DOI: 10.22034/38.166.49]

یافته‌ها

در پژوهش حاضر، پاسخ‌های ارائه شده جهت بررسی چگونگی تغییر مؤلفه‌های حس‌مکان با جابه‌جایی از کنزق قدیم به کنزق جدید از طریق پخش پرسشنامه‌ها در میان اهالی روستا جمع‌آوری و جمع‌بندی شده است که با حذف پرسشنامه‌های نادرست اطلاعات 278 پرسشنامه برای تحلیل وارد نرم‌افزار Spss شده است(جدول شماره 3). در این بخش از پژوهش، پاسخ‌های ارائه شده توسط نمونه آماری جهت بررسی تغییر مؤلفه‌های حس مکان شامل: 1. اجتماع‌پذیری و تعاملات اجتماعی، 2. هویت، 3. دلبستگی به مکان، 4. وابستگی به مکان، با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای تحلیل می‌گردد. چرا که تمامی مؤلفه‌ها دارای توزیع نرمال می‌باشند و از طیف لیکرت تبعیت می‌کنند. در مرحله دوم از آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی میزان همبستگی میان مؤلفه‌های حس مکان استفاده شده است. اطلاعات حاصله از این دو آزمون به ترتیب در جداول شماره 4 و 5 ارائه می‌شود.

جنسیت	درصد فراوانی	تعداد
مرد	63/3	176
زن	36/7	102
کل	100	278

ج 3. توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان براساس جنسیت.
منبع: نگارندگان.

آزمون اول: آزمون T تک متغیره برای بررسی جهت تغییر (افزایش یا کاهش) مؤلفه‌های حس‌مکان، رضایت و الگوپذیری در جابه‌جایی بافت روستای کنزق "جدول شماره 4":

تحلیل اطلاعات حاصل از پرسشنامه براساس آزمون T تک متغیره به این صورت می‌باشد:

H_0= میانگین کمتر از 3 باشد.

H_1= میانگین بیشتر از 3 باشد.

جهت بررسی آزمون فوق، از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شد که اطلاعات حاصل در جدول شماره 4 ارائه شده است. براساس جدول مذکور مقدار t بدست آمده از آزمون برای میزان رضایت برابر 37/430، برای اجتماع‌پذیری و تعاملات اجتماعی برابر 11/500 و برای هویت در کنزق قدیم و جدید به ترتیب برابر 91/465 و 16/611- و برای دلبستگی به مکان در کنزق قدیم و جدید به ترتیب31/671 و 11/573 و برای وابستگی به مکان برابر 42/935 می‌باشد.

از آنجا که همه مقادیر مذکور در بازه مقدار بحرانی 2/32- تا 2/32+ نیستند، در مورد همه مؤلفه‌ها فرض H_0 رد و فرض H_1 در سطح اطمینان 99٪ پذیرفته می‌شود.

میزان رضایت: فرض می‌شود که اهالی ساکن در روستای کنزق جدید از جابه‌جایی بافت روستا احساس کم رضایتی می‌کنند.

میانگین پاسخ‌های ارائه شده توسط نمونه آماری در مورد احساس رضایت کم از جابه‌جایی بافت روستای کنزق قدیم براساس طیف لیکرت 4/33 از 5 می‌باشد. اگر این میانگین به جامعه تعمیم داده شود، میانگین پاسخ‌ها در دامنه 4/26 تا 4/40 خواهد بود. از آن جا که حد بالای این دامنه بیشتر از عدد 3 می‌باشد. می‌توان استدلال نمود که مردم با جابه‌جایی از کنزق قدیم به جدید، احساس رضایت بیشتری دارند. بنابراین نتایج بدست آمده در سطح 0/01 تأیید می‌شود.

اجتماع‌پذیری و تعاملات اجتماعی: فرض می‌شود اجتماع‌پذیری و تعاملات اجتماعی با جابه‌جایی از کنزق قدم به جدید کاهش یافته است.

میانگین پاسخ‌های ارائه شده توسط نمونه آماری در مورد کاهش اجتماع‌پذیری در حس مکان براساس طیف لیکرت 3/38 از 5 می‌باشد. اگر این میانگین به جامعه تعمیم داده شود. میانگین پاسخ‌ها در دامنه 3/31 تا 3/44

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]
[DOI: DOI: 10.22034/38.166.49]

خواهد بود. از آن جا که حد بالای ایـن دامنـه بیشـتر از عدد 3 می‌باشد، می‌توان استدلال نمود که با جابـه‌جـایی از کنـزق قـدیم بـه جدیـد، اجتمـاع‌پـذیری و تعـاملات اجتماعی افزایش یافته است. بنابراین نتایج بدست آمـده در سطح 0/01 تأیید می‌شود.

هویـت: بـا توجـه بـه ماهیـت سـوالات پرسشـنامه و براساس اطلاعات جدول شـماره 4 احسـاس هویـت مخاطبان نسبت به بافت قدیم و جدید به‌صـورت مجـزا سنجش شده اسـت. فـرض مـی‌شـود احسـاس هویـت نسبت به کنزق قدیم بیشتر از احساس هویت نسبت بـه کنزق جدید است و در جابـه‌جـایی از کنـزق قـدیم بـه جدید مؤلفه هویت کاهش یافته است.

مطلوبیت عددی آزمون=3								
مؤلفه		میانگین	T آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت از حد مطلوب	فاصله اطمینان 95 درصد	
							پایین‌تر	بالاتر
میزان رضایت		4/3345	37/430	277	0/000	1/33453	1/2643	1/4047
اجتماع‌پذیری و تعاملات اجتماعی		3/3831	11/500	277	0/000	0/38309	0/3175	0/4487
هویت	قدیم	4/5881	91/465	277	0/000	1/58813	1/5539	1/6223
	جدید	2/4577	-16/611	277	0/000	-0/54227	-0/6065	-0/4780
دلبستگی به مکان	قدیم	3/4649	31/671	277	0/000	0/46486	0/4360	0/4937
	جدید	3/2096	11/573	277	0/000	0/20960	0/1740	0/2453
وابستگی به مکان		4/1498	42/935	277	0/000	1/14982	1/0971	1/2025

ج 4. اطلاعات حاصل از آزمون T تک متغیره. منبع: نگارندگان.

در مورد مؤلفـه هویـت نسـبت بـه کنـزق قـدیم میـانگین پاسخ‌های ارائه شده توسط نمونـه آمـاری بـراسـاس طیـف لیکرت 4/58 از 5 می‌باشـد. اگـر ایـن میـانگین بـه جامعـه تعمیم داده شود میانگین پاسـخ‌هـا در دامنـه 4/55 تـا 4/62 خواهـد بـود کـه حـد بـالای ایـن دامنـه بیشـتر از عـدد 3 می‌باشد. از طرفی در مورد هویت نسـبت بـه کنـزق جدیـد میانگین پاسخ‌های ارائه شده توسط نمونـه بـراسـاس طیـف لیکرت 2/45 از 5 می‌باشـد. اگـر ایـن میـانگین بـه جامعـه تعمیم داده شـود میـانگین پاسـخ‌هـا در دامنـه 2/4 تـا 2/53 خواهد بود که حد بالای این دامنه کمتر از عدد 3 می‌باشد.

بنابراین از مقایسه نتایج مؤلفه هویت نسبت بـه کنـزق قدیم و جدید می‌توان استدلال نمود که در کنزق جدیـد نسبت به کنزق قدیم هویت کـاهش یافتـه اسـت نتـایج بدست آمده در سطح 0/01 تأیید می‌شود.

دلبسـتگی بـه مکـان: بـا توجـه بـه ماهیـت سـوالات پرسشـنامه و بـراسـاس اطلاعـات جـدول شـماره 4 دلبسـتگی بـه مکـان نسـبت بـه بافـت قـدیم و جدیـد به‌صورت مجزا سـنجش شـده اسـت. فـرض مـی‌شـود دلبستگی به مکان نسبت به کنزق قدیم بیشـتر از کنـزق جدید است و در جابه‌جایی از کنـزق قـدیم بـه جدیـد مؤلفه دلبستگی به مکان کاهش یافته است.

در مورد مؤلفه دلبستگی به مکان نسبت به کنزق قدیم میـانگین پاسـخ‌هـای ارائـه شـده توسـط نمونـه آمـاری براساس طیـف لیکـرت 3/46 از 5 مـی‌باشـد. اگـر ایـن میانگین به جامعه تعمیم داده شود میانگین پاسـخ‌هـا در دامنه 3/43 تا 3/49 خواهد بود که حد بالای ایـن دامنـه بیشتر از عدد 3 می‌باشد. از طرفـی در مـورد دلبسـتگی بـه مکان نسبت به کنزق جدید میانگین پاسخ‌های ارائـه شـده

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]
[DOI: DOI: 10.22034/38.166.49]

توسط نمونه براساس طیف لیکرت 3/20 از 5 می‌باشد. اگر این میانگین به جامعه تعمیم داده شود میانگین پاسخ‌ها در دامنه 3/17 تا 3/24 خواهد بود که حد بالای این دامنه نیز بیشتر از عدد 3 می‌باشد. بنابراین از مقایسه نتایج مؤلفه دلبستگی به مکان نسبت به کنزق قدیم و جدید می‌توان استدلال نمود که دلبستگی به مکان در کنزق جدید نسبت به کنزق قدیم تغییر معنادار نداشته است. نتایج بدست آمده در سطح 0/01 تأیید می‌شود.

وابستگی به مکان: فرض می‌شود وابستگی به مکان با جابه‌جایی از کنزق قدیم به جدید کاهش یافته است.

میانگین پاسخ‌های ارائه شده توسط نمونه آماری در مورد کاهش وابستگی به مکان در حس مکان براساس طیف لیکرت 4/14 از 5 می‌باشد. اگر این میانگین به جامعه تعمیم داده شود میانگین پاسخ‌ها در دامنه 4/09 تا 4/20 خواهد بود. از آن جا که حد بالای این دامنه بیشتر از عدد 3 می‌باشد. می‌توان استدلال نمود که با جابه‌جایی از کنزق قدیم به جدید، وابستگی به مکان افزایش یافته است. بنابراین نتایج بدست آمده در سطح 0/01 تأیید می‌شود.

آزمون دوم: آزمون همبستگی پیرسون براساس جدول شماره 5 و به‌منظور بررسی میزان همبستگی میان مؤلفه‌های حس مکان در بالا ارایه شد.

اطلاعات حاصل از جدول مذکور با توجه به سطح معناداری کمتر از 0/05 نشان می‌دهد که مؤلفه هویت با دلبستگی به مکان و اجتماع‌پذیری همبستگی ندارد. بین وابستگی به مکان با هویت، دلبستگی به مکان و اجتماع‌پذیری همبستگی مستقیم وجود دارد و همبستگی میان وابستگی به مکان و دلبستگی به مکان دارای مقداری معادل با حدود 1 می‌باشد. بین تعاملات اجتماعی و دلبستگی به مکان نیز همبستگی نسبی وجود دارد.

مؤلفه‌های حس مکان		هویت	دلبستگی به مکان	اجتماع پذیری و تعاملات اجتماعی	وابستگی به مکان
هویت	ضریب همبستگی	1	-0/055	-0/024	0/222
	سطح معناداری	0	0/360	0/692	0/000
دلبستگی به مکان	ضریب همبستگی	-0/055	1	0/133	0/916
	سطح معناداری	0/360	0	0/027	0/000
اجتماع پذیری و تعاملات اجتماعی	ضریب همبستگی	-0/024	0/133	1	0/285
	سطح معناداری	0/692	0/027	0	0/000
وابستگی به مکان	ضریب همبستگی	0/222	0/916	0/285	1
	سطح معناداری	0/000	0/000	0/000	0
تعداد		278			

ج 5. ماتریس همبستگی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حس مکان در کنزق جدید(پیرسون). منبع: نگارندگان.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

اطلاعات حاصل از آزمون آول (آزمون T تک متغیره) نشان می‌دهد که اهالی به‌طور کلی از جابه‌جایی روستای کنزق رضایت کافی دارند هرچند که این جابه‌جایی با عدم الگوپذیری از روستای کنزق قدیم می‌باشد. توضیح اینکه با جابه‌جایی از روستای قدیم به روستای جدید بر اثر سانحه زلزله، مؤلفه‌های حس‌مکان به جز هویت افزایش یافته‌اند. بهبود شرایط و امکانات بیشتر عامل مهمی در افزایش ضریب این مؤلفه‌ها می‌باشد. از طرفی همانطور که بیان شد براساس جدول شماره 4 و ارقام

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]
[DOI: DOI: 10.22034/38.166.49]

حاصل از آزمون اول، علیرغم افزایش امکانات، مؤلفه هویت کاهش یافته است. به‌عبارتی افزایش رفاه نسبی بار هویتی با خود به‌همراه نداشته و مؤلفه هویت با جابه‌جایی بافت و عدم الگوپذیری از بافت قدیم کاهش یافته است.

با توجه به اینکه سنجش رضایت نه فقط براساس شاخص‌های کالبدی، بلکه بر پایه ادراک افراد از محیطی که به آن تعلق دارند و ابعاد کیفی محیط به‌عنوان یکی از بخش‌های رابطه انسان و محیط صورت می‌پذیرد (رفیعیان و خدایی، 1388: 240)، می‌توان چنین اذعان نمود که علاوه بر بهبود شرایط کالبدی در روستای کنزق جدید، افزایش سطح دیگر مؤلفه‌های حس مکان، همچون اجتماع‌پذیری و تعاملات اجتماعی، دلبستگی و وابستگی به مکان نیز در ارتقای سطح رضایت‌مندی روستاییان مؤثر بوده است.

همچنین اطلاعات حاصل از آزمون دوم (همبستگی پیرسون) نشان می‌دهد هویت با دلبستگی‌به‌مکان و اجتماع‌پذیری همبستگی ندارد و این مؤلفه‌ها دو به دو مستقل از هم می‌باشند، هویت و وابستگی به مکان باهم همبسته بوده و نسبت مستقیم بین این دو مؤلفه برقرار است. همچنین دلبستگی‌به‌مکان با اجتماع‌پذیری و وابستگی به مکان همبستگی مستقیم دارد. از بین این دو، شدت همبستگی بین دلبستگی به مکان با وابستگی به مکان مقدار بیشتری بوده و نزدیک به همبستگی کامل و عدد 1 است. مقصود از شدت همبستگی، قدر مطلق ضریب همبستگی می‌باشد. هر چقدر این شدت بیشتر باشد، ارتباط بین متغیرها با هم همبسته‌تر است. یعنی تغییرات یکی از متغیرها منجر به تغییرات بیشتر در متغیری که دارای شدت همبستگی بیشتر است، خواهد بود. وابستگی به مکان با تمامی مؤلفه‌های دیگر حس مکان دارای همبستگی مثبت و مستقیم است. وابستگی به مکان با دلبستگی به مکان دارای ضریب همبستگی بیشتری نسبت به هویت و اجتماع‌پذیری است.

به‌طور کلی از بین مؤلفه‌های همبسته حس مکان با همدیگر، کمترین میزان همبستگی بین دلبستگی به مکان و اجتماع‌پذیری و بیشترین همبستگی بین دلبستگی به مکان با وابستگی به مکان است.

نتیجه

مطالعات صورت گرفته در زمینه جابه‌جایی روستاها پس از سانحه زلزله در مواردی مبین عدم توجه به مؤلفه‌های حس مکان به‌ویژه مؤلفه هویت ونارضایتی روستاییان است. در روستای کنزق با جابه‌جایی روستا، تغییرات مؤلفه‌های حس مکان ارتباط مستقیم با همدیگر نداشته و این مؤلفه‌ها همزمان با هم کاهش یا افزایش نیافته‌اند. در فرایند جابه‌جایی روستا سه مؤلفه اجتماع‌پذیری و تعاملات اجتماعی، دلبستگی و وابستگی به مکان افزایش یافته‌اند، دلیل این مسئله را با مصاحبه از اهالی و تحلیل یافته‌ها چنین می‌توان اذعان نمود که در روستای جدید اهالی به‌دلیل برخورداری از امکانات و خدمات زیربنایی (آب، برق، گاز، دسترسی آسانتر به شهر، کوچه‌های آسفالته، خانه‌های نوساز و مقاوم، برخورداری از حمام و سایر امکانات رفاهی) آسایش و راحتی بیشتری را تجربه کرده‌اند. اما مؤلفه هویت در این روستا با جابه‌جایی بافت کاهش یافته است، این مؤلفه به‌دلیل عدم تبعیت و الگوپذیری از بافت کالبدی روستای کنزق قدیم در ساخت روستای کنزق جدید می‌باشد. اهالی، روستای کنزق قدیم را با عنوان «وطن» تلقی و از آن یاد می‌کنند.

تحلیل اطلاعات حاصل از پرسشنامه به کمک همبستگی پیرسون چنین نشان می‌دهد که با افزایش و یا کاهش سه مؤلفه هویت، دلبستگی به مکان و

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

[DOI: DOI: 10.22034/38.166.49]

اجتماع‌پذیری، مؤلفه وابستگی به مکان نیز بـه تبـع و در پیـروی از آن‌هـا تغییـر مـی‌کنـد. همچنـین بـین مؤلفـه دلبستگی به مکـان و اجتمـاع‌پـذیری همبسـتگی وجـود دارد. این در صورتی است که مؤلفه هویت با دلبسـتگی مکان و اجتماع‌پذیری و تعاملات اجتماعی هیچ تـأثیری بر هم ندارند. از بین همه مؤلفـه‌هـای همبسـته بـاهم دو مؤلفـه دلبسـتگی و وابسـتگی بـه مکـان در همبسـتگی نزدیک به 1 (0/916) قرار گرفته‌انـد و مـی‌تـوان چنـین بیـان نمـود کـه ایـن دو مؤلفـه در همبسـتگی کامـل بـا یکـدیگر قـرار گرفتـه‌انـد و دلبسـتگی بـه یـک مکـان، وابستگی به آن‌را نیز با خود به‌همراه خواهد داشت.

دلیل تفاوت بین میزان همبستگی‌ها و عدم همبسـتگی بین برخی مؤلفه‌های حس مکان و نیز تفاوت بین نتـایج حاصل با فرض تحقیق را می توان اینگونه بیان نمود که ویژگی‌های کالبـدی موجـود در روسـتای کنـزق قـدیم همچون مصالح استفاده شده، بافت نیمه پلکانی، ساختار خانه‌ها، نحوه دسترسی‌هـا و غیـره اگـر چـه ذهنیتـی از روستای قدیم را در ذهن اهالی تـداعی مـی‌کنـد (حـس هویت) که متمایز از روستای جدید می‌باشد ولی به‌نظـر می‌رسد که پاسخ بهتر کالبد جدیـد بـه مسـائل رفـاهی، حس امنیت، دسترسی‌های آسـان و سـایر مـوارد مشـابه باعث شده است که روستاییان نسـبت بـه بافـت جدیـد علیـــرغم کـــاهش حـــس هویـــت، افـــزایش حـــس اجتماع‌پذیری، وابستگی و دلبستگی به مکان را تجربه و اذعان کنند. در فرایند مقایسه، اهـالی روسـتا امکانـات و شرایط بهداشتی و احساس مقاوم‌بودن خانه‌هـای جدیـد را ترجیح داده و به معنای وطن به حالت مـوزه‌وار و بـه خاطرات ذهنی خود اکتفا می‌کنند.

پی‌نوشت

1. تحقیق حاضر در تکمیل پژوهش انجـام شـده توسـط تقـی‌زاده و همکارانش با عنوان "عوامل مؤثر در ارتقای مولفه‌های حس مکان در جابه‌جایی بافت روستاهای آسیب دیده پس از زلزله" است که در آن پس از استخراج مؤلفه‌های حس مکان بـه بررسـی عوامـل مـوثر در چگونگی ارتقای این مؤلفه‌ها پرداخته شـده و عوامـل کالبـدی را در تست همبستگی با مولفه‌های حس مکان مورد بررسی قرار می‌دهد.

2. چهار مؤلفه حس مکان در روستای کنزق شامل اجتمـاع‌پـذیری و تعاملات اجتماعی، هویت، وابستگی به مکان و دلبسـتگی بـه مکـان است (تقی‌زاده و همکاران، 1397).

3. پرسشنامه‌ها در این روستا به‌دلیل پایین بـودن سـطح سـواد در دو مرحله، توزیع و وارد نرم‌افزار spss شده است. در مرحله اول پس از پخش پرسشنامه‌ها و وارد نمودن اطلاعات به نرم‌افزار پی به تکراری و نادرست بودن پاسخ‌ها برده شد که پایین بودن سطح سواد اهالی و کپی کردن پاسخ‌ها دلیل این مسئله بود که این پرسشنامه‌ها حـذف و در مرحله بعدی توزیع پرسشنامه‌ها با ارائـه توضـیحات بـه اهـالی و اطمینان از فهم سوالات و پاسخگویی آگاهانه آنان بوده است.

فهرست منابع

- ابل، کریس. (1387)، معمـاری و هویـت، تهـران: انتشـارات دانشگاه آزاد اسلامی- واحد علوم تحقیقات، 267.

- پهلوان‌زاده، حمیده؛ رضـوانی، محمدرضـا. (1391)، ارزیـابی کیفیت زندگی در روستاهای ادغام شده پس از سوانح طبیعـی. شماره 137.

- تقوایی، علی اکبر؛ بهرام پـور، مهـدی؛ شـاهین راد، مهنـوش. (1388)، بازســـازی مســـکن روســـتایی پـــس از ســـانحه؛ آسیب‌شناسی- رهنموده، آرمانشهر، شماره 2.

- تقـی‌زاده، مهسـا؛ وزیـری، وحیـد؛ رضـایی شـریف، علـی. (1397)، عوامل مؤثر در ارتقـای مؤلفـه‌هـای حـس مکـان در جابـه‌جـایی بافـت روسـتاهای آسـیب‌دیـده پـس از زلزلـه، پژوهش‌های روستایی دانشگاه تهران، دوره 9، شماره 2.

- حاجی نژاد، علی؛ بـذرافکن، جـواد؛ وثـوقی، جـلال الـدین. (1395)، ارزیابی راهبردهای اسکان مجدد پس از مخاطره زلزله در نواحی روستایی، مجله مخاطرات محیط طبیعی، سال پنجم، شماره نهم.

- حیدری ساربان، وکیل؛ مجنونی توتخانه، علی؛ نقابی، محبوبه. (1395)، بررسی و ارزیابی تـأثیر الگوهـای اسـکان مجـدد بـر تغییـرات سـرمایه اجتمـاعی در روسـتاهای زلزلـه‌زده. مطالعـه موردی: روستاهای زلزله زده شهرستان ورزقان، نشریه جغرافیـا و توسعه، شماره43.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

[DOI: DOI: 10.22034/38.166.49]

- حیدری، علی‌اکبر؛ مطلبی، قاسم؛ نکویی‌مهر، فاطمه. (1393)، بررسی نحوه ارتباط میان دو مفهوم حس مکان و دلبستگی به مکان در خوابگاه دانشجویان، نشریه هنرهای زیبا، شماره1.
- حیدری، علی‌اکبر؛ یزدانفرد، عباس؛ بهزادفرد، نازگل. (1392)، ارائه مدلی برای تبیین پارامترهای تأثیرگذار بر معنای مکان در محیط‌های آموزشی، انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران. شماره 5.
- رضوانی، محمدرضا؛ کوکبی، لیلا؛ منصوریان، حسین. (1392)، تأثیر اسکان مجدد بر کیفیت زندگی روستاهای آسیب‌دیده از سوانح طبیعی، شماره 144.
- رفیعیان، مجتبی؛ خدایی، زهرا. (1388)، بررسی شاخصه‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایت‌مندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، دوره 18، شماره 53.
- سرتیپی‌پور، محسن. (1391)، بازآفرینی شیوه‌های اجرایی معماری بومی در مواجه با زلزله، مسکن و محیط روستا، شماره 137.
- سلیمان‌زاده، سیما؛ مهدویه، سیده مریم؛ سرتیپی‌پور، محسن. (1393)، ارزیابی جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی پس از زلزله (نمونه موردی: اسطلخ کوه بعد از زلزله سال 1369 در گیلان زنجان)، مجلّه پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال سوم، شماره پنجم.
- صمیمی شارمی، علی؛ پرتویی، پروین. (1388)، بررسی و سنجش حس مکان در محلات ارگانیک و برنامه‌ریزی شده، فصلنامه دانشگاه هنر، شماره 3.
- صیدایی، اسکندر؛ آزادی، یونس. (1394)، سنجش نگرش روستاییان در خصوص طرح جابه‌جایی روستا، مسکن و محیط روستا، شماره 151.
- ضرابیان، فرناز؛ منعام، محمدرضا. (1389)، بررسی میزان و عوامل تأثیرگذار بر حس مکان، ماهنامه شهرداری‌ها، سال نهم، شماره 89، 24.
- فراهانی، حسین؛ عینالی، جمشید؛ قاسمی ویری، حمید. (1393)، نقش توسعه ظرفیتی در مدیریت کاهش خطر زلزله در مناطق روستایی، مسکن و محیط روستا، شماره 145، صص 66-64.
- فلاحت، محمد صادق. (1385)، مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره 89، 58.
- فلاحی، علیرضا. (1386)، معماری سکونتگاه‌های موقت پس از سوانح، انتشارات شهید بهشتی، 139.
- فلاحی، علیرضا؛ خواجه‌ئی، سایما. (1394)، تجربه بازسازی پس از زلزله، مسکن و محیط روستا، شماره 150.
- کاشی، حسین. (1392)، تبیین مدل هویت مکان- حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره 3.
- کلانی، پریسا؛ مدیری، آتوسا. (1391)، تبیین نقش مؤلفه معنا در فرایند شکل‌گیری حس مکان، نشریه هنرهای زیبا، شماره2، صص50-45.
- گرگانی، امیرحسین؛ وجدانی، محمد علی؛ رحیم بخش، فاطمه؛ بشیری، مهسا. (1393)، بررسی میزان مشارکت روستاییان در جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستاییان. مسکن و محیط روستا، شماره148، صص 29-22.
- لک، آزاده. (1394)، زلزله بم و درک معنایی ساکنان محلات مسکونی از اختلال در دلبستگی به مکان، مسکن و محیط روستا، شماره 152.
- مدیری، آتوسا؛ اشرفی زنجانی، آلاله. (1393)، باز زنده‌سازی خاطرات جمعی در بازسازی پس از بلایای طبیعی و... با تأکید بر هویت مکان، مسکن و محیط روستا، شماره 145، صص 52-46.
- مشیری، فرخ. (1390)، رویکرد انسانی در جابه‌جایی سکونتگاه‌ها در برنامه‌های آبادانی منطقه، شماره 135.
- مطوف، شریف. (1386)، بحران هویت و تشدید آن در زندگی اردوگاهی پس از زلزله بم، مجله باغ نظر، شماره 8، صص 78-77.
- Azizi Ghoomi, H, Yazdanfar, A, Hosseini, B, Norouzian Maleki, S. (2015). Comparing the Components of Sense of Place in the Traditional and Modern Residential Neighborhood, Procedia -

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]
[DOI: DOI: 10.22034/38.166.49]

Social and Behavioral Sciences, ScienceDirect, 277.
- Canter, D. (1971). "The Psychology of Place", the Architectural Press, London.
- Canter, D. (1977). The psychology of place. London: Architectural Press.
- Chapin, Stuart. Knapp, Corrine N. (2015). Sense of place: A process for identifying and negotiating potentially contested visions of sustainability, environmental science & policy, ScienceDirect, 39.
- Lewicka, M. (2008).”Place Attachment, Place Identity, and Place Memory: Restoring the Forgotten City Past. Journal of Environmental Psychology.doi:10.1016/jenvp.2008.02.001, 209-206.
- Johnson, J. Dayton. (2004). NATURAL DISASTERS AND ADAPTIVE CAPACITY, OECD DEVELOPMENT CENTRE, Working Paper No, 237.
- Montgomery, J. (1998). “Making a city: urbanity, vitality and urban design”, Journal of Urban Design, vol.3.95-97.
- Misztal, B. (2003).Theories of Social Remembering”, Open University Press, Miadenhead.Philadelphia.50.
- Mullendore. Nathan D, Ulrich-Schad. Jessica D, Stalker Prokopy, Linda. (2015). U.S. farmers’ sense of place and its relation to conservation behavior, Landscape and Urban Planning, ScienceDirect, 68.
- Norberg-Schulz, Christan. (1997)." The Phenomenon of Place", Princton Architectural Press, New York.
Paton, D., et al (2010). "Making sense of natural hazard mitigation: Personal, social and cultural influences."Environmental Hazards9(2):183-196.
- Relph, E. (2007). prospects for places: The Macdonald Ed, Rutledge. 120.
Relph, E. (1976)."Place and Placelessness", Pion, London.
- Tuan, Y.-F. (1974). Topophilia: A study of environmental perception, attitudes, andvalues. Englewood Cliffs, NH: Prentice Hall.
- Williams, D. R., & Carr, D. S. (1993). The sociocultural meanings of outdoor recreationplaces. In A. Ewert, D. Shavez, & A. Magill (Eds.), Culture, conflict, and commu-nication in the wildland-urban interface (pp. 209–219). Boulder, CO: WestviewPress.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

[DOI: DOI: 10.22034/38.166.49]